

# مروری بر ادبیات

## موضوع سرمایه‌ی اجتماعی\*

مترجم: داوود حیدری

● افول و کاهش سرمایه‌ی اجتماعی که پاتنام در جامعه‌ی آمریکا آن را ردیابی کرده است، در جامعه‌ی انگلیس مشاهده نمی‌شود. برخی از سازمان‌های مدنی رو به افول گذاشته‌اند (تعداد اعضای سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با بانوان)، اما دیگر نهادهای مدنی، به ویژه گروه‌هایی که برای یک موضوع خاص مبارزه و تلاش می‌کنند، رو به افزایش نهاده است.

● گرچه تحقیقات و پژوهش‌های جدی‌تری در جریان هستند، اما بیش‌تر پژوهش‌هایی که امروزه صورت می‌گیرند، در واقع تجزیه و تحلیل ثانوی داده‌ها و منابع موجود محسوب می‌شوند.

● بیش‌تر پژوهش‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی در آمریکا به عمل آمده‌اند و از قرار معلوم، این مفهوم در شکل کلی آن، به انگلیس که مفهوم پردازی بستر فرهنگی این مقوله را نادیده می‌گیرد، صادر شده است. در مواردی که ملاحظات فرهنگی سرمایه‌ی اجتماعی نادیده انگاشته شده‌اند، در مقایسه‌ی یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها باید احتیاط شود.

● گرچه سرمایه‌ی اجتماعی غالباً به عنوان یک ویژگی جمعی تلقی می‌شود، اما اندازه‌گیری میزان آن با پرسش از افراد و جمع بستن پاسخی که می‌دهند، صورت می‌گیرد. این موضوع اندکی مسأله‌ساز است، چون مقدار سرمایه‌ی اجتماعی جمعی را نمی‌توان با جمع بستن مقدار سرمایه‌ی اجتماعی افراد به دست آورد.

● سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ای منسجم با عواملی دارد که برای سیاست‌گذاران دارای اهمیت هستند؛ عواملی چون: رشد اقتصادی، پذیرش اجتماعی، ارتقای بهداشت و سلامت و کارآمدی دولت.

● برخی، سرمایه‌ی اجتماعی را بهانه‌ای مناسب برای کنار گذاشتن برنامه‌های پر هزینه رفاه اجتماعی تلقی می‌کنند.

● این نوشتار، یافته‌های پژوهشی است که درباره‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی»<sup>۱</sup> در «دفتر رسیدگی به نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی»<sup>۲</sup> در «اداره‌ی ملی آمار»<sup>۳</sup> صورت گرفته است. هدف کلی این پژوهش ارزیابی و ایجاد چارچوبی برای اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی است.

● از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی تعریف‌ها و تعبیرهای گوناگونی به عمل آمده است. و همین تنوع تعریف‌ها سبب می‌شود، درک این مقوله دشوار شود. با این حال، بین دانشوران علوم اجتماعی، نوعی اجماع درباره‌ی تعریف مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد که در آن، بر نقش شبکه‌ها و هنجارهای مدنی تأکید شده است.

● شاخص‌های اصلی سرمایه‌ی اجتماعی عبارتند از: روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی، عضویت گروهی، اعتماد، رفتار متقابل و مشارکت مدنی. سرمایه‌ی اجتماعی بیش‌تر به عنوان مایملک و دارایی گروه محسوب می‌شود تا دارایی فرد.

● تفاوت‌های مهمی بین «سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی» و «سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی» وجود دارد. دانشمند علوم سیاسی، رابرت پاتنام<sup>۴</sup>، نویسنده‌ی کتاب و اثری جامع به نام «بولینگ به تنهایی»<sup>۵</sup> که در سال ۲۰۰۰ به چاپ رسید، از جمله کسانی است که دیدگاه‌هایش درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مورد استناد قرار می‌گیرد.

● سرمایه‌ی اجتماعی، گرچه نوشتار و محسوب می‌شود، اما عوارض جانبی نیز دارد و هرچه بیش‌تر شود، ضرورتاً بهتر نیست. از سرمایه‌ی اجتماعی اگر به خوبی نگهداری نشود، بر باد خواهد رفت.

این بررسی نتیجه‌ی پژوهشی است که درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در بخش نابرابری‌های اجتماعی در «اداره‌ی ملی آمار» صورت گرفته است. هدف از پژوهش ارزیابی و ایجاد چارچوبی فراگیر برای اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی است. در انگلیس، «سرمایه‌ی اجتماعی»، در قاموس سیاسی این کشور، سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی کاملاً جا افتاده و شناخته شده‌ای است و توجه بسیاری را در پژوهش‌های دولتی و عرصه‌های آمار و سیاستگذاری به خود جلب کرده است. اداره‌ی ملی آمار، و وزارتخانه‌های کشور، بهداشت و آموزش و پرورش و مهارت‌ها، هر یک تحقیقاتی را برای اندازه‌گیری و بررسی میزان تأثیر جنبه‌های متفاوت سرمایه‌ی اجتماعی به عمل می‌آورند. پژوهشی که اداره‌ی ملی آمار تحت عنوان «حساب اقماری خانوار»<sup>۲</sup> به عمل آورده است، به بررسی کار بدون دستمزد و فعالیت‌های داوطلبانه می‌پردازد. پژوهش «بررسی عمومی خانوار»<sup>۳</sup> که در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ صورت گرفت، شامل الگوی سرمایه‌ی اجتماعی برای «مؤسسه‌ی وزارت بهداشت»<sup>۴</sup> بود، و پژوهش «استفاده از وقت در انگلیس»<sup>۵</sup> (۲۰۰۰)، امکان تجزیه و تحلیل حضور مشترک را فراهم آورد. وزارت بهداشت انگلیس الگویی از پرسش‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی را در بررسی بهداشتی کشور گنجانده است (۲۰۰۰). وزارت آموزش و پرورش و مهارت‌ها، پرسش‌های مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی را در پژوهش آموزش ملی بزرگسالان (۲۰۰۱) قرار داد، و وزارت کشور انگلیس نیز موجبات تحقیقی درباره‌ی شهروندان را فراهم کرد (۲۰۰۱). خارج از دولت نیز، پژوهش‌های معتبری درباره‌ی برنامه‌های بهداشت، مشارکت مدنی و مردم‌سالاری در جریان است.

رهیافت‌ها و تعریف‌هایی که از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی ارائه می‌شوند، آن چنان زیاد و متنوع هستند که خشم محققان این زمینه را برمی‌انگیزند. با وجود این، در قلمروی علوم سیاسی، درباره‌ی تعریفی که بر نقش شبکه‌ها و هنجارهای مدنی [هیلی، ۲۰۰۱: ۲] تأکید می‌کند، نوعی اتفاق نظر و اجماع وجود دارد. سرمایه‌ی اجتماعی در مجموع به عنوان یک خبر شخصی و همگانی محسوب می‌شود [پاتنام، ۲۰۰۰]؛ چون از طریق خلق آن در قالب محصول جانبی روابط اجتماعی، هم به خالق خود سود

می‌رساند و هم ناظران را بهره‌مند می‌سازد. سرمایه‌ی اجتماعی یکی از نمونه‌های کلاسیک خیر همگانی است، چون انحصاری نیست و منافع حاصل از آن را نمی‌توان محدود کرد، و به همین علت، بدون هیچ‌گونه تبعیضی در اختیار همه‌ی اعضای جامعه قرار می‌گیرد [وولکلایک، ۲۰۰۱].

این گزارش به بررسی انبوه‌بی شماری از تعریف‌هایی می‌پردازد که درباره‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارند. به علاوه، پیشینه‌ی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی تشریح و عمده‌ترین تحولات نظری این مقوله با استناد به آثار و نوشته‌های کسانی چون: بورديو<sup>۱</sup> (۱۹۸۶)، کلمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰)، پاتنام (۱۹۹۳، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰)، فوکویاما<sup>۳</sup> (۲۰۰۰ و ۱۹۹۵)، پورتس<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، وولکلایک (۲۰۰۱) و هالپرن<sup>۵</sup> (۲۰۰۱ و ۱۹۹۹) بررسی می‌شود. در بخش اول، تفاوت‌های موجود بین پل زدن، گره زدن و پیوند زدن که گونه‌های متفاوت سرمایه‌ی اجتماعی هستند، تشریح شده‌اند. افزون بر این در همین بخش، مقایسه‌ای بین سرمایه‌ی اجتماعی و دیگر انواع سرمایه صورت گرفته و با ارزیابی شرایط و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، علت شهرت کنونی سرمایه‌ی اجتماعی بازگو شده است.

## سرمایه‌ها

### ۱. سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟

تعریف‌های فراوانی از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به عمل آمده است و همین انبوه تعریف‌ها، بی‌تردید به ابهام و آشفتگی معنی این مفهوم انجامیده است. کاربرد واژه‌های متفاوت در اشاره به این مفهوم و اصطلاح، بر پیچیدگی و ابهام آن افزوده است. تعبیرها و واژه‌هایی که در اشاره به سرمایه‌ی اجتماعی به کار برده می‌شوند، اصطلاحاتی چون انرژی اجتماعی، روح اجتماعی<sup>۶</sup>، همبستگی اجتماعی، فضیلت مدنی، شبکه‌های اجتماعی، دوستی گسترده، زندگی اجتماعی، منابع اجتماعی، شبکه‌های رسمی و غیررسمی، حسن هم‌جواری و چسب اجتماعی را دربرمی‌گیرند. از هر یک از این تعبیرها و اصطلاحات، با توجه به پس‌زمینه‌ی نظری هر یک از مفاهیم، ادراک و شناخت متفاوتی وجود دارد که خود باعث ابهام بیش‌تر می‌شود. به هر حال، نبود تعریفی واحد و ملموس از مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نتوانسته است مانعی بر سر راه مطالعات

سرمایه‌ی اجتماعی  
نیز همانند دیگر  
انواع سرمایه،  
دارای بهره‌وری  
است. اما در  
صورتی که تجدید و  
جایگزین نشود،  
تحلیل خواهد رفت

دانشگاهی در این زمینه ایجاد کند. تا پیش از سال ۱۹۸۱، تعداد مقالات منتشره در نشریات که در آن‌ها از سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان واژه‌ای کلیدی یاد شده بود، از ۲۰ مورد تجاوز نمی‌کرد، در حالی که اشاره به مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ به ۱۰۹ و از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ به ۱۰۰۳ مورد رسید [بوآم، ۲۰۰۰].

دستیابی به تعریفی واحد از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به اندازه‌گیری و به کارگیری آن در زمینه‌ی سیاستگذاری کمک کند. سرمایه‌ی اجتماعی مقوله و ایده‌ای جذاب است و در اغلب موارد، پیامد و نتایج فرضی مثبت آن شهودی و برگرفته از الهام تلقی می‌شود. به هر حال، چون نمی‌توان مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را در قالب یک جمله و عبارت تعریف کرد، و از آن‌جا که اندازه‌گیری آن با معیارهای ساده‌ی کمی امکان‌پذیر نیست، بحث درباره‌ی مفهوم پردازش این مقوله همچنان ادامه دارد. افزون بر این، نبود تعریفی دقیق و روشن از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی سبب شده است، تعابیر متفاوتی از این مفهوم به عمل آید. وولکاک می‌گوید: سرمایه‌ی اجتماعی مفهوم پیچیده‌ای است و نمی‌توان آن را در قالب چند واژه‌ی ساده تعریف کرد. وی در عین حال معتقد است، سرمایه‌ی اجتماعی مقوله‌ای است که بدون صرف دقت لازم و نقد و بررسی، به گونه‌ای فراگیر مورد استفاده قرار می‌گیرد [لینچ<sup>۱۸</sup> و دیگران، ۲۰۰۴-۲۰۰۰].

به رغم آنچه که گفته شد، پژوهش‌های به عمل آمده، سرمایه‌ی اجتماعی را مقوله‌ای معرفی می‌کنند که دارای ارتباطی نزدیک با اعتماد اجتماعی<sup>۱۹</sup> و شبکه‌های مشارکت و همکاری است و نتایج مطلوب گوناگونی به همراه دارد. پاتنام می‌گوید، سرمایه‌ی اجتماعی تأثیری عمیق و حتی قابل ارزیابی کمی بر جنبه‌های گوناگون زندگی ما دارد و صرفاً به احساسات گرم و محبت‌آمیز یا مقوله‌ای که مایه‌ی افتخار و مباهات اجتماعی است، محدود نمی‌شود [پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۳]. تأثیرات کمی سرمایه‌ی اجتماعی، مواردی چون کاهش نرخ جرم و جنایت [هالپرن، ۱۹۹۹؛ پاتنام، ۲۰۰۰]، بهداشت بهتر [ویلیکینسون، ۱۹۹۶]، افزایش «اول عمر» [پاتنام، ۲۰۰۰]، دستاوردهای بهتر تحصیلی [کلمن، ۱۹۸۸]، سطح بالاتری از برابری درآمد [ویلیکینسون، ۱۹۹۶] و کاواچی و دیگران، ۱۹۹۷]، رفاه بهتر اجتماعی و

کاهش بدرفتاری با کودکان [کوت و هیلی، ۲۰۰۱]، دولت کارآمدتر و سالم‌تر [پاتنام، ۱۹۹۵] و دستاوردهای چشمگیر اقتصادی از طریق افزایش اعتماد و کاستن از هزینه‌های دادوستد [فوکویاما، ۱۹۹۵] را در برمی‌گیرد. نتیجه‌ی کلی به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد، پیوند و همبستگی بیش‌تر بین افراد جامعه، بی‌تردید با برخورداری از مسکن، بهداشت، اشتغال و شادمانی بهتر و بیش‌تر همراه است [وولکلاک، ۲۰۰۱: ۱۲].

## ۲. سرمایه‌ی انسانی و فرهنگی

سرمایه‌ی انسانی و مادی مفهومی است که امروزه به خوبی جا افتاده است. از مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در عین حال تعریف دقیق و روشنی ارائه نشده است. سرمایه‌ی اجتماعی در مجموع یکی از مؤلفه‌های اجتماعی محسوب می‌شود، در حالی که سرمایه‌ی انسانی مؤلفه‌ای فردی به شمار می‌آید که مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها، و شناخت و آگاهی را در برمی‌گیرد. سرمایه‌ی فرهنگی به منزله‌ی یکی از ابعاد سرمایه‌ی انسانی محسوب می‌شود؛ سرمایه‌ای که بشر در خلال زندگی از طریق استعدادها، مهارت‌ها، کارآموزی و قرار گرفتن در معرض فعالیت‌های فرهنگی، به گردآوری آن مبادرت می‌کند [ماتاراسو<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۹].

از سوی دیگر، گولد (۲۰۰۱) سرمایه‌ی فرهنگی را نوعی از سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌کند؛ چون به اعتقاد وی، هنگامی که اعضای جامعه برای فعالیت‌های فرهنگی گردهم می‌آیند (از طریق

سرمایه‌ی اجتماعی به  
نهادهای، روابط و  
هنجارهایی گفته  
می‌شود که کمیت و  
کیفیت بده‌بستان‌های  
اجتماعی جامعه را  
شکل می‌دهند

در دوران معاصر، بورديو از جمله دانشورانی است که ارزش سرمایه‌ی اجتماعی را یادآور شده و کلمن نیز چارچوب نظری روشنی از مقوله ارائه داده است. کلمن اولین پژوهشگری است که مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را با دقت تجربی خاصی ارزیابی کرده و شیوه‌های لازم را برای چگونگی بررسی این مفهوم در تحقیقات علمی ارائه داده است [بارون<sup>۲۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۰: ۸]. به هر حال، مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بیش از همه با نام پاتنام [۱۹۹۳، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰] درآمیخته است. او مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را که صرفاً در حوزه‌ی دانشگاه مطرح بود، به صحنه‌ای گسترده‌تر کشاند.

داوین<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۱) عقیده دارد، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی دارای دو الگوی نظری است که دیدگاه‌های «نئو-مارکسیست» و «نئو-لیبرال» را دربرمی‌گیرند. به عقیده‌ی این نویسنده، الگوی نئو-مارکسیستی را بورديو و پاتنام تدوین کرده‌اند. رویکرد نئو-مارکسیست اهمیت بیش تری برای دسترسی به منابع و مسائل مرتبط با قدرت در جامعه قائل است. بوام<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۰) می‌گوید، بورديو بر نقش انواع متفاوت سرمایه در بازتولید رابطه‌ی نابرابر قدرت تأکید ورزیده است. در این میان، کلمن (۱۹۹۰ و ۱۹۸۸) اقدام منطقی را نقطه‌ی آغاز بررسی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی دانسته است و چنین می‌گوید:

«معنی سرمایه‌ی اجتماعی در کارکرد آن نهفته است و مقوله‌ای واحد محسوب نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از انواع مفاهیم است که از ویژگی‌های مشترک برخوردارند: این ویژگی‌ها ترکیبی از برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی هستند و برخی از اقدامات و رفتارهای بشری را در درون این ساختار سهولت می‌بخشند» [کلمن، ۱۹۹۰: ۳۰۲]. به گفته‌ی کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند سه شکل متفاوت داشته باشد: نخست تعهدات و انتظارات که به درجه‌ی قابل اعتماد بودن محیط و فضای جامعه بستگی دارد، دوم ظرفیت اطلاعات به گردش درآمده از طریق ساختار اجتماعی به منظور فراهم آوردن شالوده‌ای برای اقدام، و سوم حضور هنجارها همراه با ضمانت‌های اجرایی کارساز.

فوکویاما (۱۹۹۵)، سرشناس‌ترین نظریه‌پرداز در عرصه‌ی تلفیق سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد و پرداختن به مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در درون چارچوبی اقتصادی به جای چارچوبی جامعه‌شناختی همچون کلمن، با منظر علوم سیاسی همچون پاتنام است. پیسی<sup>۲۶</sup>

جشن‌ها، آئین‌ها و گفت‌وگوها بین فرهنگی)، چنین همایشی به تقویت مناسبات، مشارکت و شبکه‌ها می‌انجامد (سرمایه‌ی اجتماعی). پاتنام در کتاب بولینگ به تنهایی [۲۰۰۰: ۱۹]، بر این نکته تأکید می‌کند که سرمایه‌ی انسانی به فرد اشاره دارد، در حالی که سرمایه‌ی اجتماعی به ارتباط میان افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای دو سویه که برخاسته از چنین ارتباطی هستند، مربوط می‌شود. کلمن می‌گوید، سرمایه‌ی اجتماعی نیز همانند دیگر انواع سرمایه، دارای بهره‌وری است، اما در صورتی که تجدید و جایگزین نشود، تحلیل خواهد رفت. پاتنام نیز بر این باور است که هرچه تعداد کسانی که با یکدیگر کار می‌کنند، بیش تر شود، مقدار سرمایه‌ی اجتماعی تولید شده نیز بیش تر خواهد شد. و هرچه تعداد کسانی که با یکدیگر کار می‌کنند کاهش یابد، ذخایر سرمایه‌ی اجتماعی نیز بیش تر تحلیل خواهد رفت. [کوپر<sup>۲۷</sup> و دیگران، ۱۹۹۹]. هیلی (۲۰۰۱) نیز بر ضرورت حفاظت از «ازون اجتماعی» و تدوین راهبردهایی برای نگهداری و تجدید آن تأکید می‌کند.

### ۳. تحولات نظری

پورتس (۱۹۹۸) باور دارد، مفهومی که سرمایه‌ی اجتماعی از آن سرچشمه گرفته است، در میان اصطلاحات و قاموس جامعه‌شناسی، تعبیر تازه‌ای محسوب نمی‌شود. وی در تلاش برای تأیید این نکته به آثار دورکیم و تأکید وی بر نقش پیوند و رابطه‌ی اجتماعی به عنوان پادزهری برای مقابله با فقدان اخلاقیات و خود ویرانگری اشاره می‌کند.

می گوید، فوکویاما کوشید، عملکرد نسبی اقتصادی ملل گوناگون را بر پایه‌ی سطوح متفاوتی از اعتماد مقایسه کند. چنین سطحی از اعتماد نهفته در یک جامعه‌ی خاص است که میزان رفاه و درجه‌ی مردم سالاری، و همچنین توانایی رقابت اقتصادی آن جامعه را مشخص می‌سازد.

«بانک جهانی»<sup>۲۷</sup> و «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»<sup>۲۸</sup> (OECD) نیز به تعریف سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته‌اند. OECD، سرمایه‌ی اجتماعی را شبکه‌هایی با هنجارها، ارزش‌ها و برداشت‌های مشترک تعریف کرده است که همکاری در داخل و بین گروه‌ها را سهولت می‌بخشند [کوت و هیلی، ۲۰۰۴: ۴۱]. و بانک جهانی تعریف فراگیرتری از سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داده است: «سرمایه‌ی اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی گفته می‌شود که کمیت و کیفیت بده‌بستان‌های اجتماعی جامعه را شکل می‌دهند... سرمایه‌ی اجتماعی صرفاً به مجموعه مؤسسات و نهادهایی که شالوده‌ی جامعه را تشکیل می‌دهند، اطلاق نمی‌شود؛ بلکه سرمایه‌ی اجتماعی سیمانی است که این نهادها را به یکدیگر می‌چسباند.»

بانک جهانی درباره‌ی تفاوت میان تعریفی بسته و محدود، و جامع و فراگیر تفاوت قائل شده است. از دیدگاه بانک جهانی، تعریف بسته از سرمایه‌ی اجتماعی، این سرمایه‌ی مجموعه‌ای از روابط و مناسبات افقی بین مردم است که دربرگیرنده‌ی شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مرتبط با آن‌هاست و در بهره‌وری و رفاه و آسایش جامعه تأثیر می‌گذارد. تعریف باز و فراگیر، جنبه‌های مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی را با گنجانیدن روابط و مناسبات عمودی بین مردم، از جمله روابط موجود در محیط کار، دربرمی‌گیرد.

به هر حال، نامدارترین نظریه‌پرداز در عرصه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام است. وی به همراه ولکاک (۲۰۰۱)، بهترین و دقیق‌ترین تعریف را از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی ارائه داده‌اند. این دو نظریه‌پرداز رویکردی معتدل و بینابین نسبت به شبکه‌های اجتماعی دارند. یکی دیگر از تفاوت‌های پاتنام با نظریه‌پردازان پیشین در این است که کسانی چون کلمن و بورديو، سرمایه‌ی اجتماعی را مؤلفه‌ای فردی به شمار می‌آوردند، در حالی که پاتنام این مفهوم را به مقوله‌ی مرتبط با جمع و جامعه ارتقا داده است. پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «... شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد

که شرکت‌کنندگان را به همکاری جدی‌تر و کارآمدتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک قادر می‌سازند.» [بارون و دیگران، ۲۰۰۰]. ولکاک (۲۰۰۱) می‌گوید، مزیت ارائه‌ی تعریفی نسبتاً محدود و بسته از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی این است که هواداران و کسانی را که به فعالیت‌های اجتماعی به دیده‌ی تردید می‌نگرند، تشویق می‌کند از قواعد یکسانی پیروی کنند. افزون بر این، وی معتقد است، در تعریف سرمایه‌ی اجتماعی آنچه که اهمیت دارد، تأکید بر سرچشمه و ریشه است و نه پیامدها. به بیان دیگر، «سرمایه‌ی اجتماعی چیست؟» به جای «سرمایه‌ی اجتماعی چه نقش و هدفی را دنبال می‌کند؟»

پاتنام، فعالیت‌های خود را در عرصه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، با ارزیابی عملکرد تشکیلات و ادارات محلی (فرمانداری‌ها، شهرداری‌ها و استانداری‌ها) در ایتالیا آغاز کرد. هالبرن (۱۹۹۹) می‌گوید، نوشتن کتاب «به کار انداختن دموکراسی»<sup>۲۹</sup> سبب شد تا پاتنام در بطن سرمایه‌ی اجتماعی قرار گیرد و پویایی زندگی مرتبط با دیگران را به عنوان عنصر اصلی حکومت محلی کارآمد معرفی کند. پاتنام، در بررسی عملکرد دستگاه‌ها و ادارات محلی در ایتالیا، به این نتیجه رسید که سرمایه‌ی اجتماعی اندک (که با معیارهای فوق، یعنی زندگی مرتبط با دیگران و میزان اعتماد اندازه‌گیری می‌شود) در مناطقی به چشم می‌خورد که مقامات محلی از پائین‌ترین درجه‌ی موفقیت در اداره‌ی امور برخوردار بودند و بیش‌ترین ناکارآمدی و فساد در این مناطق حاکم بود. در مقابل، در مناطقی که درجه‌ی بالایی از اعتماد اجتماعی وجود داشت، حکومت‌ها در اداره‌ی امور موفق بودند. تحقیقات و بررسی‌های پاتنام در ایتالیا به بررسی‌های مشابهی در سال ۱۹۹۵ در آمریکا درباره‌ی «ناپدید شدن شگرف سرمایه‌ی اجتماعی»<sup>۳۰</sup> انجامید.

پاتنام در اثر دیگر خود، یعنی بولینگ تنها (۲۰۰۰)، با ارائه‌ی مدارک و شواهد فراوان، کاهش مشارکت مردم آمریکا در فعالیت سیاسی، کاهش تعداد گروه‌های مدنی، سازمان‌های مذهبی، اتحادیه‌های کاری و سازمان‌های حرفه‌ای و صنفی، و همچنین مرادفات غیررسمی را به خوبی نشان داده است. وی برای اثبات کاهش مرادفات اجتماعی مردم آمریکا، به ورزش بولینگ که زمانی از جمله ورزش‌های گروهی و جمعی در بین مردم آمریکا بود، پرداخته است و با تصویر روند افول چنین مرادفاتی می‌گوید، امروزه

آمریکایی‌ها به تنهایی بولینگ بازی می‌کنند.

واسطه‌ی علت معلولی ترکیب یافته‌اند (از جمله جوامع پویا). نتیجه‌ی حاصل از گردش این گردونه، جرقه‌هایی هستند که پدید می‌آیند (از جمله کاهش جرم).

#### ۴. مناسبات مبتنی بر اعتماد

در بحث‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی (مسأله‌ی اعتماد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برخی اعتماد را نتیجه و پیامد سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند (ولکاک، ۲۰۰۱) و برخی دیگر نیز آن را یکی از اجزای تشکیل دهنده‌ی ارزش‌های مشتری قلمداد می‌کنند که سرمایه‌ی اجتماعی از آن‌ها ترکیب یافته است. هستند نظریه‌پردازانی که اعتماد را ترکیبی از این دو به شمار می‌آورند [کوت و هیلی، ۲۰۰۱] و پرتی و وارد (۲۰۰۱) بر این عقیده‌اند که اعتماد از طریق به‌کارگیری مجازات علیه کسانی که هنجارهای اجتماعی را نادیده می‌گیرند یا در اجرای مسؤولیت‌های اجتماعی خود کوتاهی می‌ورزند، تقویت می‌شود.

اغلب از دو نوع اعتماد سخن به میان می‌آید: نخست، اعتماد به افرادی که آن‌ها را می‌شناسیم، و دوم، اعتماد به کسانی که شناختی از آن‌ها نداریم.

پاتنام از این دو نوع اعتماد به عنوان اعتماد غلیظ و رقیق یاد می‌کند. اعتماد غلیظ در پرتو فعالیت و عضویت در گروه‌های

پاتنام می‌گوید، عضویت فعالانه در گروه‌های اجتماعی در جامعه‌ی آمریکا رو به کاهش گذاشته است و کسانی که به گروه‌های اجتماعی ملحق می‌شوند، به گروه‌هایی که در زمینه‌ی ایجاد و پایداری سرمایه‌ی اجتماعی فعال هستند، نمی‌پیوندند. وی همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که پیوستن به گروه‌های اجتماعی دخیل در شکل‌گیری و پایداری سرمایه‌ی اجتماعی نتایج اجتماعی مثبتی به همراه دارد و نسل اعضای کلیدی و فعال در گروه‌های اجتماعی در حال انقراض است. پاتنام در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که افراد سالخورده در مقایسه با جوانان در گروه‌ها و سازمان‌های بیش‌تری عضویت دارند و همین موضوع نشان می‌دهد که آن‌ها در دوران جوانی که اشتیاق به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بیش‌تر است، به عضویت در این سازمان‌ها مبادرت کرده‌اند.

یکی از مسائل مهم و بحث‌انگیزی که پاتنام در کتاب بولینگ به تنهایی به آن اشاره می‌کند، مقصر جلوه دادن تلویزیون به عنوان عامل اصلی افول سرمایه‌ی اجتماعی است. در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰، ده درصد از خانواده‌های آمریکایی تلویزیون داشتند. اما این تعداد در سال ۱۹۵۹ به بیش از ۹۰ درصد رسید و آمریکایی‌ها که به شدت به تماشای این رسانه سرگرم شده بودند، دیگر وقت چندانی به مراودات اجتماعی اختصاص نمی‌دادند. افزون بر ظهور تلویزیون، عوامل دیگری نیز در کاهش روی آوردن مردم به فعالیت‌ها و مراودات اجتماعی دخیل بودند که در میان آن‌ها می‌توان به پول (تغییر نقش زنان) و سپس تحرک بیش از پیش جمعیت (مهاجرت‌های داخلی و خارجی و کاهش ارتباطات محلی) اشاره کرد. سومین عامل، کاهش توانایی مردم به جمع شدن گرد یکدیگر، به علت مشغله‌ی فراوان و سرانجام دگرگونی ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با مشارکت‌های مدنی، با تغییر نسل‌هاست.

مفهوم پردازی هالپرن (۱۹۹۹) بعد دیگری نیز به مباحث مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی افزوده است. وی شبکه‌ها و هنجارها را دخیل می‌داند، اما بر نقش ضمانت‌اجرائی در سرمایه‌ی اجتماعی تأکید می‌ورزد. هالپرن، سرمایه‌ی اجتماعی را به گردونه تشبیه می‌کند که محور آن را پرهیزکاری و صفات حمیده‌ی نهادینه شده تشکیل می‌دهند (برای مثال اعتماد اجتماعی) و پره‌های آن از متغیرهای

پاتنام نیز بر این باور است که هرچه تعداد کسانی که با یکدیگر کار می‌کنند، بیش‌تر شود، مقدار سرمایه‌ی اجتماعی تولید شده نیز بیش‌تر خواهد شد.

اجتماعی صحیح به دست می‌آید و اعتماد رقیق، اعتمادی کلی است که افراد به اعضای دیگر گروه‌های اجتماعی به عمل می‌آورند. سیکس اسمیت<sup>۳۱</sup> و هم‌کارانش (۲۰۰۱)، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که اعتماد مقوله‌ای پویاتر از این تقسیم‌بندی دوگانه، یعنی اعتماد رقیق و غلیظ است و دیدگاه پاتنام را یک بعدی دانستند. بررسی‌های این پژوهشگران نشان می‌دهد، اعتماد ابعادی گوناگون دارد و پدیده‌ای چندبعدی محسوب می‌شود.

فوکویاما [۲۰۰۰: ۴] نیز به مقوله‌ی اعتماد پرداخته است، اما از آن با عنوان «شعاع اعتماد»<sup>۳۲</sup> یاد می‌کند. منظور فوکویاما از شعاع اعتماد، دایره‌ای از مردم است که بین آن‌ها هنجارهای همکاری و مشارکت حاکم است. فوکویاما می‌گوید، در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، شعاع باریکی از اعتماد، یک نظام اخلاقی دوجویی را پدید می‌آورد که در آن، رفتار خوب در ارتباط با خانواده و دوستان صمیمی به نمایش گذاشته می‌شود و رفتاری با معیار پائین‌تر، در صحنه‌ی جامعه در پیش گرفته می‌شود. فوکویاما معتقد است، چنین دیدگاه و رفتاری زمینه‌ی فرهنگی لازم را برای فساد فراهم می‌آورد.

#### ۵. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، برون‌گروهی (بین‌گروهی) و پیونددهنده

در بحث پیرامون مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، بارزترین وجه تمایز، به موضوع پل ارتباطی، پیوند و رابطه برمی‌گردد. پاتنام بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی برقرارکننده‌ی پیوند، برای ادامه‌ی وضع موجود، و سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی که نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند، برای برداشتن گامی به پیش مفید و ضروری هستند. وی بین سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی تفاوتی با این مضمون قائل است: سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی در واقع نوعی سوپرچسب WD-۴۰ (نوعی ماده‌ی ضدزنگ) جامعه‌شناختی است، درحالی‌که سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی جامعه‌شناختی را فراهم می‌آورد [پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۹].

سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی (انحصاری) به روابط و مناسبات حاکم بین گروه‌های نسبتاً همگون، همچون اعضای خانواده و دوستان نزدیک اطلاق می‌شود و بیش‌تر شبیه داشتن رابطه‌ی قوی و محکم بین افراد است. پاتنام (۲۰۰۰) برای تشریح این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی، فهرستی از سرمایه‌های اجتماعی

الزامی و تعهدآور، همچون سازمان‌های قومی برادرانه و گروه‌های وابسته به کلیسا که توسط بانوان تشکیل می‌شوند، ارائه می‌دهد.

سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی (غیرانحصاری) به روابط موجود بین دوستان دور، هم‌قطاران و همکاران اطلاق می‌شود. پاتنام (۲۰۰۰)، در ارائه‌ی فهرستی از این نوع روابط، به روابط حاکم بر جنبش‌های هوادار حقوق مدنی و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مذهبی اشاره می‌کند. این گونه روابط و پیوندها، در مقایسه با روابط درون‌گروهی ضعیف‌تر و متنوع‌تر هستند، اما برای پیشبرد امور از اهمیت بیش‌تری برخوردارند.

دیدگاه پاتنام درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی، نکته‌ی تازه‌ای محسوب نمی‌شود. گرانووتر<sup>۳۳</sup> (۱۹۷۳) در اثر خود به نام «قدرت روابط ضعیف»<sup>۳۴</sup>، چنین استدلال می‌کند که روابط و پیوندهای ضعیف بین انسان‌ها منبع مهمی در فراهم آوردن فرصت‌های تحرک است. سرمایه‌ی اجتماعی بین‌گروهی به مناسباتی گفته می‌شود که بین افراد یا گروه‌های لایه‌های متفاوت اجتماعی و در سلسله‌مراتبی که در آن قدرت، موقعیت اجتماعی و ثروت توسط گروه‌های گوناگون ارزیابی می‌شود، برقرار است [کوت و هیل، ۲۰۰۱: ۴۲]. وولکاک (۲۰۰۱) این تعریف را تعمیم داده است تا ظرفیت اهرم‌های منابع، اندیشه‌ها و اطلاعات مربوط به نهادهای رسمی فراتر از جامعه را نیز در بر بگیرد.

یکی از پیامدهای منفی سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، احتمال بهره‌گیری از آن برای دور نگه داشتن دیگران است و آن‌گونه که الیوت (۲۰۰۱) می‌گوید، از این نوع سرمایه‌ی اجتماعی ممکن است برای تقویت ایدئولوژی‌های ارتجاعی، همچون فرقه‌گرایی استفاده شود. از این نکته به عنوان نقطه‌ی تاریک یا نقطه‌ی ضعف مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی یاد می‌شود و از جمله انتقادهایی است که به‌ویژه از مفهوم پردازی پاتنام درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به عمل می‌آید.

#### ۶. انتقاد از مفهوم

وولکاک (۲۰۰۱) بر این باور است که واکنش در برابر سرمایه‌ی اجتماعی، با توجه به شهرت و اهمیت یافتن سریع آن، شگفت‌آور نیست. وی می‌گوید، منتقدان چنین استدلال می‌کنند که سرمایه‌ی اجتماعی مقوله‌ی تازه‌ای نیست و با وجود جنجال‌هایی که درباره‌ی این مقوله به راه افتاده است، مفهوم آن فاقد ویژگی‌های تجربی است

و ملاحظات مربوط به قدرت را نیز نادیده می‌گیرد (نکاتی که در بخش ۲-۳ در مبحث تحولات نظری مطرح شدند). سرمایه‌ی اجتماعی به علت بهره‌گیری از انبوه مسائل اجتماعی، موجبات سوءظن و تردید منتقدان را فراهم آورده است. مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، از قرار معلوم، بدون هیچ‌گونه جرح و تعدیلی از آمریکا به انگلیس راه یافته است و به همین علت، در این مفهوم وارداتی بسیاری از مفهوم‌پردازی‌های فرهنگی برای فعالیت‌های پژوهشی نادیده گرفته شده‌اند. افزون بر این، داوین بر این باور است که مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به علت نادیده گرفتن جنسیت و قوم‌مداری به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. و سرانجام این که، سیکس اسمیت و هم‌قطارانش (۲۰۰۱) بر این باورند که بیش‌تر آثار و نوشته‌های موجود درباره‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، تجزیه و تحلیل‌های ثانویه‌ای هستند که با بهره‌گیری از داده‌هایی تألیف شده‌اند که هدف اصلی از تهیه‌ی آن‌ها، بررسی مسأله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نبوده است.

یکی از انتقادهای وارد بر آثار و نوشته‌های اولیه‌ی پاتنام این بود که این اندیشمندان، سرمایه‌ی اجتماعی را یک خیر اجتماعی فرض می‌کند، درحالی که شواهدی انکارناپذیر از نکات منفی سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد. به عقیده‌ی هالپرن (۱۹۹۹)، گروه‌های تهکار و جنایات سازمان‌یافته، در برگیرنده‌ی شبکه‌ای اجتماعی هستند که هنجارهای مشترک بر آن حاکم است، اما این هنجارها را نمی‌توان خیر اجتماعی قلمداد کرد. پورترس (۱۹۹۸) فهرستی از نقاط ضعف و منفی سرمایه‌ی اجتماعی، از جمله نپذیرفتن غیرخودی‌ها، محدود ساختن آزادی‌های فردی و نیز پیدایش هنجارهای ناخوشایند تهیه کرده است. منظور وی از هنجارهای ناخوشایند وضعیتی است که در آن، همبستگی گروهی از طریق ستیزه‌جویی و مخالفت با هنجارهای حاکم بر جامعه قوام و انسجام پیدا می‌کند. هنجارهای ناخوشایند به ادامه‌ی فعالیت‌های گروه‌های ستم‌دیده و جذب افراد ستیزه‌جو به این گروه‌ها، و فرار افرادی که خواهان زندگی بهتر هستند از این گروه‌ها منجر می‌شود. پاتنام در کتاب بازی بولینگ به تنهایی، به سختگیری و سرکوب کسانی که از پیوستن به سرمایه‌ی اجتماعی خودداری می‌کنند، اعتراف کرده است. وی در عین حال به این نکته اعتراف دارد که آمریکا در دهه‌ی ۱۹۵۰ جامعه‌ای بسیار سختگیر و نژادپرست بود، اما تغییرات پدید آمده در دهه‌ی ۱۹۶۰، تنوع شیوه‌های زندگی را امکان‌پذیر ساخت.

یکی دیگر از انتقادهای به عمل آمده از آثار و نوشته‌های پاتنام، نبود ویژگی‌های تئوریک در دیدگاه‌های وی برای ایجاد ارتباط بین زندگی توأم با معاشرت، اعتماد بالای اجتماعی و حکومت بهتر و کارآمدتر است. افزون بر این، روش‌شناسی پاتنام نیز مورد انتقاد قرار گرفته است، چون به اعتقاد منتقدان در روشی که پاتنام در پژوهش‌های خود به کار گرفته است، صرفاً الگوهای در حال تغییر اندازه‌گیری و ارزیابی شده و الگوهای مرتبط با کاهش اعضای گروه‌های اجتماعی نادیده گرفته شده‌اند. یعنی، کاهش تعداد اعضای اتحادیه‌ی بولینگ، با افزایش اعضای گروه‌های خودیار، از جمله انجمن مبارزه با اعتیاد به مشروبات الکلی همراه بوده است. از جمله موارد دیگر، اهمیتی است که پاتنام به کاهش سنت‌گرایی می‌دهد که به کلیسا می‌روند [ویلز ۲۰۰۰، ۳۵]. در خلال دورانی که پاتنام به بررسی آن پرداخته است، گرچه تعداد افراد وابسته به جریان اصلی کلیسا (سنت‌گرایان) که به کلیسا می‌روند، کاهش یافته است، اما تعداد کسانی که به کلیساهای غیررسمی و وابسته به فرقه‌های نوین می‌روند، افزایش یافته است. پاتنام در پاسخ به این منتقدان خود می‌گوید، علت افزایش تعداد پیروان کلیساهای فرقه‌های جدید، نیاز آن‌ها به مشارکت فعالانه‌ی کم‌تر، در مقایسه با کلیساهای وابسته به جریان اصلی مسیحیت است. این افراد از لحاظ کیفی با اعضای انجمن بولینگ تفاوت دارند. پیوندها و وابستگی‌ها به نمادهای مشترک، رهبران مشترک و احتمالاً افکار و اندیشه‌های مشترک است، و نه وابستگی و تعلق خاطر به یکدیگر.

#### چرا اکنون

سرمایه‌ی اجتماعی تا حدودی به علت مهارت پاتنام در سخنوری و عشق و علاقه‌ی خاصی که وی به بررسی‌های خود درباره‌ی این مفهوم نشان می‌دهد، شهرت و اعتبار یافته است. وی توانسته است، بسیاری از مسائل نظری را به زبانی ساده برای درک مخاطبان گسترده‌تری ترجمه کند. افزون بر این، هانت<sup>۲۶</sup> (۲۰۰۱) می‌گوید، نبوغ پاتنام در این بود که توانست بین سطوح متفاوتی از سرمایه‌ی اجتماعی، با مسائل مرتبط با سیاستگذاری سنتی درباره‌ی مبارزه با جرم و جنایت، مسائل مربوط به بهداشت و آموزش و پرورش، ارتباط ایجاد کند و از قرار، دستور کاری برای بحث و احتمالاً یافتن راه‌حل ارائه دهد. از دیدگاه لمان<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۹)، دلایل دیگری نیز برای



35. Wills  
36. Hunt  
37. Lemann

\*این مقاله ترجمه‌ای است از:

Social Analysis and Reporting Division  
office off National Statistics October 2001

#### منابع:

- Baron, S. Field, J. Schuller, T. (eds.) (2000) *Social Capital - Critical Perspectives*. Oxford University Press.
- Baum, F. (2000) *Social capital, economic capital and power: further issues for a public health agenda* Journal of Epidemiological Community Health 54: 409-410.
- Blaaxter, M. Poland, F. Curran, M. (2001) *Measuring Social Capital: Qualitative Study of how Older People relate Social Capital to Health*, Final Report to the Health Development Agency, London.
- Bourdieu, P. (1986) *The Forms of Capital* in Baron, S. Field, J. Schuller, T. (eds.) (2000) *Social Capital - Critical Perspectives*. Oxford University Press.
- Campbell, C. Wood, R. Kelly, M. (1999) *Social and Capital Health* Health Education Authority. London.
- Campbell, C. (2000) *Social Capital and Health: contextualising health promotion within Local Community Networks* in Baron, S., Field, J. Schuller, T. (eds.) *Social Capital - Critical perspectives*. Oxford University Press.
- Cote S, Healy, T. (2001) *The Well-being of Nations. The role of human and social capital*. Organisation for Economic Co-operation and Development, Paris.
- Coleman, J. (1988) *Social Capital in the Creation of Human Capital* American Journal of Sociology 94 Supplement S95 - S120. University of Chicago.
- Coleman, J. (1990) *Foundations of Social Theory*. Harvard University Press Cambridge.
- Cooper, H. Arber, S. Fee, L. Ginn, J. (1999) *The influence of social support and social capital on health* Health Education Authority, London.
- Coulthard, M. Walker, A. Morgan, A. (2001) *Assessing people's perceptions of their neighbourhood and community involvement (part 1)*, Health Development Agency, London.
- Davies, A. (2001) *But we knew that already! - A study into the relationship between social capital and volunteering*. Conference paper. Anne Davies. Home Start. Sheffield.
- Elliot, I. (2001) *Social Capital and Health: literature review*. Institute of Public health in Ireland. Unpublished report.
- Fukuyama, F. (1995) *Social Capital and the global economy*. Foreign Affairs. 74(5): 89-103 quoted in Halpern, D. (1999) *Social*

شهرت یافتن مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد؛ از جمله این که سرمایه‌ی اجتماعی با وضعیت خصوصی قشری کوچک، اما از لحاظ سیاسی مهم هم‌نوازی و هم‌سوئی دارد، این که مادر دایره‌هایی زندگی می‌کنیم و آنچه شاهد آن هستیم، گردش تازه‌ی این چرخ است، و سرانجام این که سرمایه‌ی اجتماعی تلاشی دوباره برای اعطای بُعد سیاسی به سرمایه‌داری است.

#### زیر نویس:

1. Social Capital
2. Socio- Economic inequities Branch
3. Office For National Statistics
4. Bonding, bridging and linking social capital
5. Robert Putnam
6. Bowling Alone
7. House hold Satellite Account
8. General Household Survey
9. Health Department Agency
10. Healy
11. Bourdieu
12. Coleman
13. Fukuyama
14. Portes
15. Halpern
16. Community Spirit
17. Baum
18. Lynch
19. Social trust
20. Matarasso
21. Cooper
22. Social ozone
23. Self-destruction
24. Baron
25. Davies
26. Passey
27. World Bank
28. Organization For Economic Co-operation and Development
29. Making Democracy work
30. Strange disappearance of social capital
31. Sixsmith
32. Radius of Trust
33. Cranovetter
34. Strength of the weak ties

- American Prospect (26) May-June pp. 18-21, 94.
- Pretty, J.N. Ward, H. (2001) What is Social Capital? World Development 29 (2) 209-227 University of Essex web site.
- Putnam, R. (1993) The Prosperous Community: Social Capital and Public Life The American Prospect, no 13.
- Putnam, R (1995) Bowling Alone: America's Declining Social Capital Journal of Democracy 6 (1) 65-78.
- Putnam, R. (2000) Bowling Alone - The Collapse and Revival of American Community New York: Simon & Schuster.
- Robinson, D. (ed.) (1997) Social Capital & Policy Development Institute of Policy Studies, Wellington, New Zealand.
- Sampson, R. Raudenbush, S. Earls, F. (1997) Neighbourhoods and violent crime: a multilevel study of collective efficacy quoted in Halpern, D. (1999) Social capital: the new golden goose. Faculty of Social and Political sciences, Cambridge University. Unpublished review.
- Schuller, T. (2001) The Complementary Roles of Human and Social Capital ISUMA Canadian Journal of Policy Research 2 (1) 18-24.
- Seyfang, G. (2001) Spending Time, building Communities, evaluating time banks and mutual volunteering as a tool for tackling social exclusion. Draft article submitted to Voluntary Action.
- Sixsmith, J. Boneham, M. Goldring, J. (2001) The Relationship Between Social Capital, Health & Gender: A case Study of a Socially Deprived Community Health Development Agency, London.
- Spellerberg, A. (1997) Towards a framework for the measurement of social capital in Robinson, D. (ed.) (1997) Social Capital & Policy Development Institute of Policy Studies, Wellington, New Zealand.
- World Bank social capital web site: <http://www.worldbank.org/poverty/scapital/index.htm>.
- van Deth, J. (2001) The proof of the pudding: social capital, democracy and citizenship. University of Mannheim, Germany. Paper given at the EURESCO Conference, Social capital: Interdisciplinary Perspectives, Exeter, United Kingdom, 15-20 September 2001.
- Whitehead, M. Diderichsen, F. (2001) Social capital and health: tiptoeing through the minefield of evidence The Lancet (358) 21: 165-166.
- Wilkinson, R. (1996) Unhealthy Societies: the afflictions of inequality. London: Routledge.
- Wills, G. (2000) Putnam's American Prospect 11(16) 17.
- Woolcock, M. (2001) The place of social capital in Understanding Social and Economic Outcomes. ISUMA Canadian Journal of Policy Research 2 (1) 11-17.
- capital: the new golden goose. Faculty of social and political Sciences, Cambridge University. Unpublished review.
- Fukuyama, F. (2000) *Social Capital and Civil Society* International Monetary Fund Working Paper WP/00/74.
- Gluld, H. (2001) *Culture and social capital* Chapter 9. Awaiting publication. Creative Exchange, London.
- Granovetter, M. (1973) *The Strength of Weak Ties* American Journal of Sociology 78 (6) 1360-1380.
- Green, G. Grimsley, M. Suokas, A. Prescott, M. Jowitt, T. Linacre, R. (2000) *Social Capital, Health and Economy in South Yorkshire Coalfield Communities*. Sheffield Hallam University.
- Hall, P. (1999) Social Capital in Britain. British Journal of Political Science 29: 417-461.
- Halpern, D. (1999) *Social capital: the new golden goose*. Faculty of Social and Political Sciences, Cambridge University. Unpublished review.
- Halpern, D. (2001) *Moral values, social trust and inequality-Can values explain crime?* British Journal Criminology 41:236-251.
- Healy, T. (2001) *Health Promotion and Social Capital*. Conference Paper. International Evidence for the impact of Social Capital on Well Being. National University of Ireland, Galway.
- Home Office (1999) *Report of the Policy Action Team on Community Self-Help*. Active Community Unit, Home Office, HMSO. London.
- Hunt, T. (2001) The NS profile: Robert Putnam. New Statesman 12 March.
- Johnston, M. Jowell, R. (1999) Social capital and the social fabric in British Social Attitudes. The 16<sup>th</sup> Report. Who shares New Labours values. Jowell, R. Curtice, R. Park, A. Thomson, K. (eds.) National Centre for Social Research. Ashgate, Aldershot.
- Kawachi, I. Kennedy, B. Lochner, K. Prothrow-Stith, D. (1997) Social Capital, Income Inequality, and Mortality American Journal of Public Health 87 (9) 1491-1498.
- Lemann, N. (1996) Kicking in Groups in Baron, S. Field, J. Schuller, T. (eds.) (2000) *Social Capital-Critical Perspectives*. Oxford University Press.
- Lynch, J. Due, P. Muntaner, C. Davey Smith, G. (2000) Social Capital-is it a good investment strategy for public health? Journal Epidemiology Community Health 54:404-408.
- Matarasso, F. (1999) *Towards a Local Culture Index. Measuring the cultural vitality of communities*. comedia. Gloucestershire.
- Passey, A. (2000) Social capital: embeddedness and autonomy. Conference Paper presented at ISTR, Dublin.
- Portes, A (1998) Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology Annual Review of Sociology (24) 1-24.
- Portes, A. Landolt, P. (1996) The downside of social capital The